

● یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ ● شماره ۴۷۶

# خصوصی سازی آموزش و بحران عدالت

حق آموزش رایگان و همگانی یکی از حقوق اساسی انسان هاست که در اسناد بین المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌طور جدی بر آن تأکید شده است. در این اعلامیه، آموزش به‌عنوان یک حق بنیادین برای همه افراد در نظر گرفته شده است. همچنین، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل سی ام به‌طور خاص این حق را تعریف کرده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.» این قانون نشان دهنده اهمیت آموزش رایگان برای رشد و پیشرفت جامعه است و دولت‌ها را به برابری در ارائه فرصت‌های آموزشی موظف می‌سازد.

و اجتماعی جوامع است. در دنیای نئولیبرالی که بر جنبه‌های درآمدزایی تأکید دارد، بسیاری از رشته‌های علوم انسانی به سمت تجاری سازی و کاهش عمق علمی پیش می‌روند. این تحولات موجب سطحی شدن محتوای آموزشی در این رشته‌ها و کاهش اهمیت ارزش‌های انسانی در جوامع علمی می‌شود. در این زمینه، نگرش‌های فایده‌گرایانه به آموزش موجب می‌شود که سیاست‌های آموزشی بیشتر به سمت رشته‌های پر درآمد سوق پیدا کند. این روند نه‌تنها به کاهش کیفیت علوم انسانی منجر می‌شود، بلکه هویت فرهنگی و اجتماعی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرایش به رشته‌های غیر علوم انسانی در ایران، باعث شده این رشته‌ها تضعیف شوند. به‌ویژه در حوزه آموزش عالی، کمبود منابع و تأکید بر رشته‌هایی که منجر به شغل‌های پردرآمد می‌شود، توجه به کیفیت آموزش در این رشته‌ها را کاهش داده است. از سوی دیگر، بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم دسترسی به امکانات آموزشی مناسب، به دنبال شغل‌های فوری و غیرعلمی می‌روند. این وضعیت همچنین باعث شده که جامعه نتواند به‌طور کامل از ظرفیت‌های بالقوه علوم انسانی برای حل مسائل اجتماعی و فرهنگی خود بهره‌برداری کند.

#### رشد بی‌رویه آموزش و مشکل بیکاری

افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان در سال‌های اخیر، موجب شده تا بیشترین فشار بر آموزش عالی وارد آید. با این حال، بسیاری از فارغ التحصیلان به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی پس از اتمام تحصیل با مشکل بیکاری مواجه می‌شوند و نه‌تنها از اشتغال محروم می‌مانند، بلکه خود به یک چالش اجتماعی و اقتصادی تبدیل می‌شوند. این بیکاری موجب نارضایتی و بی‌اعتمادی عمومی به نظام آموزشی و کاهش انگیزه برای ادامه تحصیل در بسیاری از رشته‌هاست. سیدضیاء هاشمی، سرپرست وقت وزارت علوم، در گزارشی به بی‌برنامگی و آثار منفی رشد کمی دانشگاه‌ها اشاره کرده است. طبق این گزارش، تعداد دانشجویان کشور به‌ازای هر صد هزار نفر جمعیت به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. اما این افزایش بدون توجه به کیفیت آموزش، باعث کاهش سطح علمی دانشگاه‌ها و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار و کم‌مهارت شده است. در نتیجه، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و رشته‌ها نتوانسته به‌طور مؤثر نیازهای بازار کار را پاسخ دهد. این وضعیت موجب کاهش جایگاه علمی دانشگاه‌ها و نقش آن‌ها در توسعه کشور شده است. نهادهای آموزشی دیگر نمی‌توانند به‌عنوان منابع معتبر برای تصمیم‌گیری‌های کلان کشور عمل کنند. علوم کاربردی نتوانسته‌اند ثروت تولید کنند و جایگاه دیگر علوم نیز تضعیف شده است. کاهش کیفیت و سطح علمی در دانشگاه‌ها، در نهایت به کاهش اعتماد عمومی به این نهادها و فرار مغزها از کشور منجر شده است.

در نهایت، آموزشی که در خدمت بازار قرار می‌گیرد، به‌جای اینکه ابزاری برای رفاه عمومی و ارتقای سطح آگاهی اجتماعی باشد، بیشتر به تولید سرمایه انسانی با هدف سودآوری محدود می‌شود. این روند هم اهداف اجتماعی را به حاشیه می‌برد و هم موجب سطحی شدن علوم انسانی و کاهش کیفیت علمی در این رشته‌ها می‌شود. برای آنکه آموزش بتواند به‌طور مؤثر نقش خود را ایفا کند، باید در خدمت منافع عمومی، عدالت اجتماعی و توسعه فرهنگی قرار گیرد.



آموزش را به گونه‌ای مدیریت کند که منافع جامعه را بر منافع فردی ترجیح دهد. از آنجا که دولت اهداف کلانی فراتر از منافع اقتصادی دارد، می‌تواند از آموزش به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی و رشد اجتماعی استفاده کند. دولت در این موقعیت می‌تواند نقش راهبری در ایجاد جامعه‌ای آگاه و توانمند ایفا کند. تأمین منابع مالی کافی برای ارائه آموزش رایگان و همگانی از مهم‌ترین وظایف دولت است که باید به‌طور مستمر و بدون وقفه به آن پرداخته شود.

#### علوم انسانی و چالش‌های آن

یکی از تأثیرات منفی خصوصی سازی و بازاری شدن آموزش، محدود شدن جایگاه علوم انسانی است. در جامعه‌ای که آموزش بیشتر به سمت کسب درآمد و شغل سوق می‌یابد، علوم انسانی و رشته‌هایی که مستقیماً به تولید ثروت مربوط نمی‌شوند، تحت فشار قرار می‌گیرند. این در حالی است که علوم انسانی باید به تربیت شهروندان آگاه، منتقد و اخلاقی مدار کمک کند، نه صرفاً براساس منافع اقتصادی و شغلی. خصوصی سازی باعث می‌شود که ارزش‌های انسانی و اجتماعی در برابر انتظارات اقتصادی و تجاری قرار گیرند و این تهدیدی جدی برای ساختار فرهنگی



می‌پردازد و کمتر به نیازهای اجتماعی و عدالت آموزشی توجه می‌کند. این روند در بسیاری از کشورها به گسترش نابرابری‌ها و به حاشیه راندن دانش‌آموزان و دانشجویان کم‌درآمد منجر شده است. به‌عنوان مثال، در ایران دانش‌آموزان و دانشجویانی که قادر به پرداخت هزینه‌های بالای آموزش در مدارس و دانشگاه‌های خصوصی نیستند، اغلب مجبور به پذیرش کیفیت پایین‌تری از آموزش می‌شوند.

#### بازاری شدن آموزش و نتایج آن

بازاری شدن آموزش به‌ویژه در بخش خصوصی موجب شده تا آموزش به کالا تبدیل شود. در این فضا، توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی در آموزش کاهش یافته و اولویت با حوزه‌های سودآورتر قرار می‌گیرد. به این ترتیب، اهداف آموزشی که باید به تقویت جامعه و فرهنگ غنی کمک کند، جای خود را به تولید سرمایه انسانی با هدف سودآوری می‌دهد. بازاری شدن آموزش همچنین به گسترش نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در سطح جامعه منجر شده است. آموزش دیگر به‌عنوان یک حق برای همه افراد در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به یک کالا برای گروه‌های خاصی از جامعه با قدرت خرید بیشتر تبدیل می‌شود. در مقابل بخش خصوصی، دولت می‌تواند،

## تأثیر نئولیبرالیسم بر پژوهش‌های دانشگاهی

سیاست‌های نئولیبرالی، با تأکید بر درآمدزایی و تجاری سازی، پژوهش‌های علوم انسانی در ایران را تحت فشار قرار داده‌اند. این رویکرد، که پژوهش را به ابزاری برای خدمت به بازار تبدیل کرده، علوم انسانی را به حاشیه رانده و پژوهش‌های بنیادی را محدود ساخته است. در حالی که پژوهش، موتور محرک توسعه و حل مسائل پیچیده جوامع است، فشار برای بازاری سازی، به‌ویژه در کشوری در حال توسعه مانند ایران، چالش‌هایی جدی برای آینده دانش و نوآوری ایجاد کرده است.

پژوهش علمی، ستون فقرات پیشرفت جوامع مدرن است. در کشورهای توسعه‌یافته، سرمایه گذاری کلان در پژوهش، گواهی بر نقش آن در خلق نوآوری و کاهش خطاهای تصمیم‌گیری است. پژوهش با شناسایی راه‌حل‌های بهینه، از اتلاف منابع جلوگیری کرده و به حل مشکلات پیچیده کمک می‌کند. این فرایند، دانش را گسترش داده و پایه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان فراهم می‌آورد. بدون پژوهش، تصمیم‌گیری‌ها در معرض خطاهای پرهزینه قرار می‌گیرند و جوامع از پویایی لازم برای توسعه محروم می‌شوند.

##### ● همکاری جهانی در پژوهش

بسیاری از چالش‌های جوامع، از تغییرات اقلیمی تا نابرابری‌های اجتماعی، ماهیتی جهانی دارند. همکاری بین‌المللی در پژوهش، هزینه‌ها را کاهش داده و امکان بهره‌مندی از دستاوردهای مشترک را فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، پروژه‌های مشترک در حوزه پزشکی، مانند توسعه واکسن‌ها، نتایج جهانی به‌همراه داشته‌اند. بااین حال در علوم انسانی، تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی، انتقال نتایج پژوهش‌ها را پیچیده‌تر و ضرورت پژوهش‌های بومی را برجسته می‌سازد.

##### ● علوم انسانی در ایران

علوم انسانی، نقش زیربنایی در اداره جوامع دارد. در ایران، این حوزه به دلیل تأثیر مستقیم بر سیاست‌گذاری و توسعه اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش در علوم انسانی، امکان تحلیل عمیق مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم می‌کند. با این حال، پرسش‌هایی درباره قابلیت انتقال نتایج این پژوهش‌ها به جوامع دیگر وجود دارد؛ اینکه آیا راه‌حل‌های پژوهشی یک جامعه، در بستر فرهنگی متفاوت، همان نتایج را به همراه خواهند داشت؟

##### ● علوم انسانی اسلامی یا بومی

در ایران، بحث علوم انسانی اسلامی در برابر علوم انسانی بومی، یکی از موضوعات کلیدی است. هدف این رویکرد، تطبیق پژوهش‌ها با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جامعه است، اما این تمایز، گاه به محدود شدن دامنه پژوهش‌ها منجر می‌شود. برخی معتقدند تأکید بیش از حد بر بومی سازی، امکان بهره‌مندی از تجربیات جهانی را کاهش می‌دهد. در مقابل، گروهی دیگر آن را برای حفظ هویت فرهنگی و ارزشی جامعه ضروری می‌دانند. این دوگانگی، پژوهشگران را در موقعیت دشواری قرار داده است.

طی دهه‌های اخیر، گرایش‌های نئولیبرالی، پژوهش را به ابزاری برای درآمدزایی تبدیل کرده است. این دیدگاه، که پژوهش باید در خدمت بازار باشد، در ایران به‌ویژه در علوم انسانی چالش‌برانگیز می‌نماید. علوم

## ویژه



A T I Y E N O